

اعتبارسنجی روایات فقهی یونس بن ظبیان در کتب اربعه با رویکرد آماری^۱

سید احمد قائم فرد^۲
حیدر مسجدی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۲۷

چکیده

یونس بن ظبیان، راوی مستقیم امام صادق علیه السلام، نزد غالب رجالیان متهم به کذب و جعل است و از این رو، به اعتبار احادیث وی با دیده تردید نگریسته می‌شود. از این رو، دوازده روایت فقهی (بدون تکرار) در کتب اربعه وجود دارد. پژوهش حاضر، درصدد اعتبارسنجی این روایات، به عنوان گامی در شناخت دقیق تراستبر مصادرات مذکور برآمده است. پنج سنجه منبع، راوی، سند، مطابقت با سنت و عمل متخصصان، به عنوان سنجه‌هایی اصیل و کارآمد در ارزیابی این احادیث، مبنای پژوهش قرار گرفته است. نتایج این اعتبارسنجی نشان داد که بیش از پنجاه درصد روایات یونس، در دیگر منابع متقدم معتبر نیز نقل شده‌اند، که افزون برنیمی از آن‌ها از طریق راویانی ثقه روایت گردیده است. با در نظر گرفتن مؤلفه حضور راویان شاخص در اسانید، می‌توان نسبت روایات معتبر از این حیث را تا بیش از هفتاد درصد دانست. جز یک روایت در من لا یحضره الفقیه، سایر مرویات، دارای سندی متصل بوده‌اند. دست کم، بیش از ۸۵ درصد از این عبارت‌ها با دیگر روایات معتبر، مطابقت دارند؛ و در نهایت، از میان عبارت‌های قابل بررسی از حیث سنجه عمل متخصصین، حدود ۸۵ درصد روایات وی مورد اعتنای ایشان قرار گرفته است. نتایج نهایی، با تجمیع داده‌های به دست آمده درباره هر روایت، نشان داد که تنها دو روایت از منظر سنجه‌های

۱. لازم است از آقای محمد باقر ملکیان و حجة الإسلام والمسلمین امین حسین پوری - که در انجام این تحقیق از

رهنمودهای خود دریغ نفرمودند - صمیمانه تشکر کنیم.

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث قرآن و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث (نویسنده مسئول) (ghaemfardsa@yahoo.com).

۳. استادیار دانشگاه قرآن و حدیث (Masjedi.H@qhu.ac.ir).

مطرح شده، فاقد دلیل کافی برای اعتبارند.

کلیدواژه‌ها: اعتبارسنجی، یونس بن ظبیان، کتب اربعه، الکافی، غلو، وضع حدیث.

۱. مقدمه

حضور راویان ضعیف و متهم به غلو و کذب در آسانید تراث حدیثی امامیه می‌تواند علاوه بر تضعیف روایات، به طرد آموزه‌های نهفته در آن نیز بینجامد و با به حاشیه رانده شدن دیگر سنجه‌های اصیل اعتبارسنجی، قضاوتی نه چندان جامع‌نگرانه رخ دهد. با گسترش این نگرش، منابع حاوی روایات این راویان نیز کم‌اعتبار یا اساساً بی اعتبار جلوه خواهد کرد. یونس بن ظبیان اُزدی کوفی، راوی مستقیم از امام جعفر صادق علیه السلام، از جمله راویان متهم به غلو، کذب و وضع حدیث است؛^۱ تا بدان جا که گزارش‌هایی از لعن شدید امام رضا علیه السلام براو و همچنین قول وی به رسالت ابوالخطاب وجود دارد^۲ که البته صحت این گزارش‌ها، مورد تردید جدی برخی از رجالیان معاصر واقع شده است.^۳ به هر تقدیر، همین اتهامات، سبب انکار آموزه‌های نهفته در روایات وی شده و از آن جا که از یونس دوازده روایت فقهی (بدون تکرار) در کتب اربعه یافت می‌شود، اعتبار ویژه این کتب نیز ممکن است دست‌خوش نگاهی تردیدآمیز گردد.

از آن جا که شناخت وثاقت راوی صرفاً یکی از طرق اعتبارسنجی روایت بوده و موضوع اصلی، اعتبار روایت است، در این پژوهش با چشم‌پوشی از داوری درباره وثاقت و عدم وثاقت یونس بن ظبیان، به کمک دیگر سنجه‌های درون‌متنی و برون‌متنی اعتبارسنجی، به بررسی اعتبار روایات منقول از وی در کتب اربعه پرداخته می‌شود. هرچند این روش، کم و بیش در آثار متعددی با کیفیت‌های گوناگون به کار گرفته شده، لیکن درباره روایات یونس، سابقه پژوهش مستقلی موجود نیست. مقاله «زمینه‌های تضعیف یونس بن ظبیان» اثر دکتر مهدی جلالی، به عنوان تنها تک‌نگاری درباره وی، کاملاً جنبه رجالی دارد و مسیری جدا از مسیر نوشتار حاضر را پی گرفته است.

۲. بررسی سنجه‌های مؤثر در اعتبارسنجی روایات یونس

معیارهای متعددی برای نقد بیرونی (نظیر منبع، سند و راوی) و درونی (نظیر تطابق با

۱. رجال ابن غضائری، ص ۱۰۱؛ رجال النجاشی، ص ۴۸۴.

۲. رجال الکشی، ج ۱، ص ۳۶۴.

۳. سایت مدرسه فقاہت، درس رجال آية الله شبیری، جلسه ۳۳.

سنجه‌هایی نظیر قرآن، سنت، مسلمات دینی و مذهبی، علم قطعی، تاریخ معتبر و... درباره حدیث بیان شده است.^۱ نظریه محتوای احادیث یونس بن ظبیان در کتب اربعه، برخی از معیارهای نقد درونی (مانند مطابقت با قرآن، مسلمات دینی، علم قطعی و تاریخ معتبر) در این جا به کلی ناکارآمد یا غیر مؤثر خواهند بود. برای این اساس، مؤلفه‌های منبع، راوی، سند، تطابق با سنت (مؤید و مخالف روایی) و اعتنای متخصصان به عنوان پنج معیار اثرگذار در اعتبارسنجی روایات یونس در کتب اربعه، مورد توجه قرار گرفته‌اند.

۲-۱. منبع

کتاب حاوی روایت مدنظر، به عنوان گزارش‌دهنده واسط از شخص یا منبع دیگر، با مؤلفه‌های متعددی قابل ارزیابی است؛ به عنوان نمونه: قدمت، شهرت، مقبولیت، صحت انتساب، ویژگی‌های علمی مؤلف، حوزه حدیثی و اتقان محتوایی را می‌توان از جمله سنجه‌های اثرگذار در سنجش «منبع» دانست.^۲ پیشینه این گونه از اعتبارسنجی، از قرن سوم و چهارم قابل پیگیری است؛ گزارش شیخ طوسی از روش علمای متقدم امامی،^۳ اعتماد قدما به تألیفات برخی از مؤلفین غیر ثقه^۴ و عدم روایت ابن ولید از اصل‌های زید نرسی و زید زراد به دلیل انکار انتساب^۵ را می‌توان شواهدی بر «اعتبارسنجی کتاب محور» قلمداد نمود.^۶ باید دانست با توجه به حرمت انتساب سخنی جعلی بر معصومین (علیهم‌السلام) نقل یک روایت در کتابی، لأقل شاهی بر جعلی ندانستن آن توسط مؤلف کتاب است.

۲-۲. راوی

نحوه تعامل با روایان، بسته به ثقه، مهمل و ضعیف بودن آن‌ها متفاوت است. عواملی نظیر احادیث جرح و تعدیل صادر از معصومین (علیهم‌السلام)، اظهار نظرهای حسی و حدسی رجالیان، مضامین گزاره‌های روایت شده از راوی و چگونگی تعامل متخصصان با وی از جمله عواملی محسوب می‌شوند که در جایگیری راوی ذیل هر کدام از سه عنوان پیش‌گفته

۱. شناخت‌نامه حدیث، ج ۲، ص ۶۲ - ۸۸ منطق فهم حدیث، ص ۵۳۹.

۲. «تبیین شرایط قبول خبر از منظر قدما و متأخرین»، ص ۷ و ۸.

۳. العدة فی الأصول، ج ۱، ص ۱۲۶.

۴. فهرست الطوسی، ص ۳۲؛ رجال النجاشی، ص ۴۲.

۵. فهرست الطوسی، ص ۱۳۰.

۶. برای مطالعه رک: حدیث و اعتبار کتاب‌محور.

مؤثر است. این مؤلفه، گاه به کمک قبول روایت می‌آید، چنان‌که احمد بن محمد بن عیسی، ضعف سندی روایات حسن بن محبوب را در اواخر عمر خود نادیده می‌گیرد^۱ و گاه عدم اعتماد به منقولات راوی غیر ثقه، منجر به عدم پذیرش یا توقف در روایت می‌شود.^۲ چنین گزاره‌ای به عنوان مهم‌ترین مؤلفه در نقد بیرونی شناخته شده است، تا آن‌جا که برخی مانند آیه‌الله خویی (م ۱۴۱۳ق) به تأمل‌العلة بودن آن اشاره دارند:

فلا بد من النظر فی سند کل رواية منها، فإن توفرت فیها شروط الحجية أخذ بها، وإلا فلا.^۳

در حالی‌که - مطابق آن چه پیش از این اشاره شد و در ادامه نیز خواهد آمد - سایر روش‌های اعتبارسنجی، در عصر حضور و دوران متقدمین، نه تنها مورد اعتنا قرار گرفته، بلکه بر این مؤلفه تقدم داشته است.

۳-۲. سند

از دیگر مؤلفه‌های مورد توجه در نقد بیرونی، بررسی سند روایت است. اگر حدیث مدّ نظر، دارای اتصال، صحت و شهرت سندی باشد، نسبت به دیگر اسناد، مورد رجحان واقع می‌شود. این مؤلفه نیز نمی‌تواند تنها عامل در اعتبارسنجی تلقی گردد. به عنوان نمونه می‌توان به اعتبار مرسلات ابن‌ابی عمیر نزد عده‌ای از صاحب نظران اشاره نمود.^۴

۴-۲. تطابق با سنت (مؤید و مخالف روایی)

ارزیابی متن حدیث با استفاده از قرائن مثبت یا نافی موجود در دیگر روایات‌ها را می‌توان از کهن‌ترین گزاره‌های اعتبارسنجی دانست. تبار این‌گونه از اعتبارسنجی علاوه بر دستور مستقیم قرآن^۵ و گزارش‌هایی از دستور صریح ائمه علیهم‌السلام به این روش،^۶ در عرضه روایات بر امام^۷ یا راویان معتمد^۸ نیز وجود دارد. این روش در دوران‌های بعدی، در قالب عرضه

۱. رجال الکشی، ج ۱، ص ۵۱۲، ش ۹۸۹.

۲. رجال ابن غضائری، ص ۱۰۱؛ رجال الفجاشی، ص ۴۴۸.

۳. معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۹۱.

۴. کلیات فی علم الرجال، ص ۲۱۱.

۵. سوره نساء، آیه ۸۲: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾.

۶. بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۲۴ و ۲۴۹.

۷. الکافی، ج ۱، ص ۶۲، ح ۱ و ج ۸، ص ۱۴، ح ۲؛ الغیبة (طوسی)، ص ۳۹۰.

۸. الکافی، ج ۷، ص ۸۵، ح ۳ و ص ۹۱، ح ۱ و ص ۱۰۴.

۹. برای مطالعه بیشتر رک: «عرضه حدیث بر امامان» اثر عبدالهادی مسعودی، مجله علوم حدیث، سال ۱۳۷۶، شماره ۶.

گزاره‌های مدّ نظر بر سایر میراث روایی جلوه کرد.^۱ هم چنین در روش رجالیان و محدّثان متقدّم هم تنها آن دست از مروّیات راویان ضعیف و متّهم کنار گذاشته می‌شود که دارای نقل منفرد بوده، با سایر تراث روایی، هم خوانی نداشته باشد.^۲ قابل ذکر است همان گونه که عرضه روایت برائمه (برای) یا راویان معتمد، به عنوان معیاری معتبر رخ می‌داد، آن دسته از میراث منقولی که به عنوان معیار سنجش لحاظ می‌شود نیز، باید به نحوی از انحا، معتبر و قابل قبول باشد. لذا صرف یافتن مضمونی موافق و مخالف، الزاماً مطلوب نیست.

۲-۵. عمل متخصّصان

همان گونه که در عبارتی از روایت عمر بن حنظله^۳ و دیگر احادیث^۴ توجّه داده شده، شناخت منظومه اصیل فقهی و اعتقادی شیعه تا حدّ بسیاری با شناخت نظرات مشهور علمای متقدّم،^۵ انجام پذیر است.^۶ از این روی اعراض فقها و متکلمین متقدّم امامیه از فحوای روایتی که به آن دسترسی داشته‌اند، می‌تواند حاکی از اعتبار پایین و ناهمگونی آن با منظومه عقاید و احکام شیعی باشد.^۷ در مقابل، اعتنا و شهرت عملی ایشان به متن یک روایت، جابر ضعف سند قلمداد می‌شود.^۸

۳. اعتبارسنجی روایات یونس بن ظبیان در کتب اربعه

آن گونه که اشاره شد، هر چند اعتبارسنجی حدیث به معیارهای یاد شده محدود نمی‌شود، اما می‌توان آن‌ها را از کارآمدترین و مهم‌ترین سنجه‌ها در اعتبارسنجی احادیث یونس در کتب اربعه دانست. پرواضح است که این مؤلفه‌ها از حیث اعتبار یکسان نیستند؛ مثلاً تطابق با سنّت دارای اعتباری فراتر از بحث اتصال سندی است. براین اساس در اعتبارسنجی نهایی یکایک روایات، اهمیّت هر کدام از سنجه‌ها به تناسب لحاظ خواهد شد.

۳-۱. منبع

صرف وجود روایات یک راوی در کتب اربعه، می‌تواند به تنهایی فزاینده اعتبار (نه الزاماً

۱. الفوائد الحائریة، ص ۴۸۷.

۲. رجال النجاشی، ص ۱۸۲ و ۳۲۸ و ۳۲۹.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۶۸.

۴. به عنوان نمونه: بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۲۴.

۵. الموجز فی أصول الفقه، ج ۲، ص ۲۷۳.

۶. الکافی، ج ۱، ص ۸.

۷. المعتمد فی شرح المختصر، ج ۱۲، ص ۳۶۰.

۸. همان، ج ۲، ص ۶۷۳؛ کتاب الزکاة، ص ۳۰؛ کتاب الخمس، ص ۱۰۸؛ قاعدة لا ضرر و لا ضرار، ص ۲۸.

اعتباربخش مطلق) آن روایت باشد؛ چه آن‌که صاحبان این کتب، حتی در نقل از مشهورترین ضعیف مانند أبوالخطاب، دقت نظرهایی مبذول داشته‌اند؛^۱ به ویژه آن‌که روایتی در منابع قمی و بغدادی (از کتب اربعه)، به عنوان حوزه‌های نص‌گرا و عقل‌گرا تکرار هم شده باشد. از دوازده روایت فقهی موجود از یونس در کتب اربعه، پنج روایت در این مصادر به نحوی تکرار شده است؛ سه روایت که در تهذیبین تکرار شده و فاقد اهمیت تکرار در دیگر منابع است؛ یک روایت دوبار در الکافی و یک روایت دوبار در تهذیب الاحکام آمده است. تک روایتی هم که در بیش از یک کتاب از کتب اربعه نقل شده، از لحاظ این سنجه اعتماد ویژه‌ای به خود می‌گیرد.

ردیف	روایت در کتب اربعه		دیگر مصادر حدیثی	
	نشانی	تکرار در کتب اربعه	نام کتاب	قرن / حوزه حدیثی
۱	الکافی، ج ۳، ص ۱۶۹، ح ۲	-	-	-
۲	الکافی، ج ۴، ص ۶۴، ح ۸	الکافی، ج ۴، ص ۶۵، ح ۱۷	فضائل الأشهر الثلاثة	۴ قم
			ثواب الأعمال	۴ قم
۳	الکافی، ج ۶، ص ۴۶۸، ح ۳	-	-	-
۴	الکافی، ج ۶، ص ۴۷۳، ح ۲	-	-	-
۵	الکافی، ج ۷، ص ۴۳۸، ح ۲	من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۷۵، ح ۴۳۱۷ تهذیب الاحکام، ج ۸، ص ۲۸۴، ح ۳۴	-	-
۶	تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۴۶۱، ح ۱۶ الاستبصار، ج ۱، ص ۴۸۲، ح ۴	تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۰۱، ح ۱۶	-	-
۷	تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۲، ح ۱۴	-	-	-
۸	تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۳۱۸، ح ۱۳	-	-	-
۹	تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۱، ح ۷	-	-	-
۱۰	تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۳۲، ح ۲۴	الاستبصار، ج ۲، ص ۱۵۷، ح ۲۱	-	-
۱۱	تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۵۴، ح ۲۳	الاستبصار، ج ۲، ص ۲۳۲، ح ۶	-	-
۱۲	تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۴۵۸، ح ۴۱	-	-	-

جدول (۱) - منابع ۱

۱. رک: «عرضه روایات أبوالخطاب در کتب اربعه برآموزه‌های تشیع»؛ همچنین رک: دراسة فی شخصیه سهل بن زیاد و روایاته.

نتیجه‌گیری

با چشم‌پوشی از تکرار روایات تهذیب الاحکام در الإستبصار می‌توان گفت نه روایت از دوازده روایت (۷۵٪) به هیچ نحو در منبع متقدم دیگری (اعم از کتب اربعه و دیگر کتب) تکرار نشده و تنها سه روایت (۲۵٪) به نحوی از انحا، در بیش از یک کتاب متقدم، وجود دارد. احتمالاً دلیل درصد پایین تکرار این روایات را بتوان در موضوعات نه چندان با اهمیت فقهی آن دانست. ناگفته نماند اعتبار منبعی روایاتی که در دیگر منابع متقدم نیامده‌اند، یکسان نیست؛ گاه روایتی فقط در یکی از کتب اربعه آمده و گاه در بیش از یک کتاب از سه کتاب الکافی، من لایحضره الفقیه و تهذیب الاحکام تکرار شده است.

تعداد	تکرار در کتب اربعه				تکرار در سایر کتب متقدّم	بدون تکرار در کتب متقدّم
	الکافی	تهذیب الاحکام، الکافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب الاحکام	در یک کتاب			
			در کتب مختلف			
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۱
درصد	%۸	%۸	%۸	%۸	%۸	%۹۲

جدول (۲) - منابع ۲

۲-۳. راوی

در میان راویان روایات محل بحث این پژوهش، سخن اصلی درباره یونس بن ظبیان خواهد بود. شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) در اختیار معرفة الرجال، به نقل از کشی (م ۳۴۰ق)، ذیل مدخل یونس بن ظبیان سه روایت در ذم و یک روایت در مدح وی می‌آورد.^۱ نخستین این گزارش‌ها، مربوط به عدم اعتماد حسن بن علی الوشاء به روایات منفرد یونس بن ظبیان، گزارش دوم درباره غضب و لعن امام رضا علیه السلام بروی و سومین گزارش درباره اعتقاد او به رسالت ابوالخطاب است. کشی با آوردن چهارمین روایت در مدح یونس از جانب امام صادق علیه السلام، این روایت را به دلیل مجهول بودن یکی از راویان و ناهمگونی با سه گزارش پیشین، غیر صحیح می‌داند. نیز ذیل مدخل أبوسمینه، به بیانی از فضل بن شاذان در خصوص این‌که یونس از کذابان مشهور است، می‌پردازد.^۲ ابن غضائری (م قرن ۵)

۱. رجال الکشی، ج ۱، ص ۳۶۳-۳۶۵.

۲. همان، ص ۵۴۶.

شخصیت حدیثی یونس بن ظبیان را با عبارات «غال، کذاب، وضاع للحديث» معرفی می‌کند.^۱ نجاشی (م ۴۵۰ق) هم وی را تضعیف کرده،^۲ هم سخن با ابن غضائری احادیث وی را مورد اعتنا ندانسته، کتبش را آکنده از تخلیط معرفی کرده است.^۳ شیخ طوسی با مهمل گذاشتن یونس در الرجال خود،^۴ در الفهرست هم به جز ذکر طریق، نکته‌ای درباره شخصیت حدیثی وی ندارد.^۵ که خود می‌تواند محلّ برخی از گمانه‌زنی‌ها درباره تردید شیخ نسبت به ضعف این راوی باشد. وضعیت مذموم و مبهم یونس بن ظبیان در نظر متقدمین، در آثار رجالیان متأخر نیز بازتاب داشته و ایشان را از اعتماد بر روایات یونس بر حذر داشته است.^۶

در این بین، محدث نوری (م ۱۳۲۰ق)، به کمک شواهد و قرائن مختلف، سعی در رفع اتهامات وارده بر یونس بن ظبیان داشته، نهایتاً وی را جلیل‌القدر می‌داند.^۷ همچنین در میان معاصران، گرچه آیه‌الله خویی (م ۱۴۱۳ق)، ضعف و سوء اعتقاد یونس بن ظبیان را برمی‌گزیند،^۸ اما آیه‌الله سید موسی شبیری، از آن‌جا که مستند تضعیفات نجاشی را روایات کثّی و این روایات را نیز در تعارض با روایت مدح یونس در سرائر به نقل از جامع بزنطی می‌داند، بر آن است اگر روایت مدح، مقدّم نباشد، روایات ذمّ و ضعف یونس بن ظبیان قابل اثبات نیست.^۹ با این همه، هنوز برخی از فقه‌های معاصر نظر مثبتی درباره شخصیت رجالی یونس ندارند.^{۱۰}

گذشته از یونس بن ظبیان، از حیث وثاقت در آسانید منتهی به وی، راویان متفاوتی دیده می‌شوند که هر کدام در میزان اعتبار روایت مؤثرند؛ ده روایت از مؤلفین کتب اربعه تا یونس بن ظبیان، سند معتبری (اعم از صحیح و مؤثّق) دارند و تنها دو روایت دارای راویان مهمل‌اند. از آن‌جا که عنایت به راویان، منحصر در راویان ضعیف نمی‌شود و باید راویان

۱. رجال ابن غضائری، ص ۱۰۱.

۲. رجال النجاشی، ص ۴۴۸.

۳. رجال ابن غضائری، ص ۱۰۱؛ رجال النجاشی، ص ۴۴۸.

۴. رجال الطوسی، ص ۳۲۳.

۵. فهرست الطوسی، ص ۱۸۲.

۶. رجال ابن داود، ص ۲۸۵؛ رجال العلامة الحلی، ص ۲۶۶.

۷. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۲۲۳ - ۲۴۷.

۸. معجم رجال الحديث، ج ۲۱، ص ۲۰۷.

۹. سایت مدرسه فقهات، درس رجال آیه‌الله شبیری، جلسه ۳۳.

۱۰. سایت مدرسه فقهات، درس خارج فقه آیه‌الله مکارم، ۷۸/۰۷/۲۷ و ۸۸/۰۷/۱۴؛ درس خارج اصول آیه‌الله مظاهری،

۹۹/۱۰/۰۶؛ درس خارج فقه آیه‌الله شهیدی، ۹۸/۱۰/۱۶؛ درس خارج فقه آیه‌الله اشرفی شاهرودی، ۹۹/۱۰/۲۴.

جلیل القدر روایت شناس را نیز لحاظ نمود، حضور چنین راویانی، می تواند بسته به کیفیت قرارگیری ایشان در سند (مثل نقل روایت یونس در کتاب خود یا انتقال نسخه قرائتاً یا اجازتاً) ضعف ناشی از راویان ضعیف را کاسته، دست کم ظنّ به کذب روایت را منتفی سازد؛ به عنوان نمونه: در شش سند، محمد بن الحسن بن الولید حضور دارد؛ شخصیت دقیقی که نجاشی در وصف وی می آورد:

شیخ القمیین و فقیههم و متقدمهم و وجههم ... ثقة ثقة، عین، مسکون إلیه.^۱

در چهار سند از همین شش سند، ابن غضائری نیز حاضر است. دیگر راویان حاضر در اسناد که از چنین تعابیر والایی برخوردارند، عبارت اند از: محمد بن یحیی العطار، محمد بن الحسین بن أبی الخطاب، محمد بن أبی عمیر، جمیل بن درّاج و صفوان بن یحیی البجلی.

ردیف	نشانی سند روایت در کتب اربعه	وضعیت سند و راویان		
		نوع سند ^۲ (صرف نظر از یونس)	راوی ضعیف	راوی معروف
۱	الکافی، ج ۳، ص ۱۶۹، ح ۲	ضعیف مهمل	محمد بن عمرو	-
۲	الکافی، ج ۴، ص ۶۴، ح ۸	ضعیف مهمل	منذر بن یزید	-
	الکافی، ج ۴، ص ۶۵، ح ۱۷			
۳	الکافی، ج ۶، ص ۴۶۸، ح ۳	صحیح	-	-
۴	الکافی، ج ۶، ص ۴۷۳، ح ۲	صحیح	-	محمد بن أبی عمیر زیاد جمیل بن درّاج
۵	الکافی، ج ۷، ص ۴۳۸، ح ۲	صحیح	-	محمد بن یحیی العطار محمد بن الحسین بن أبی الخطاب
	من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۷۵، ح ۴۳۱۷	مرسل	-	-
	تهذیب الاحکام، ج ۸، ص ۲۸۴، ح ۳۴	صحیح	-	الحسین بن عبیدالله الغضائری محمد بن یحیی العطار محمد بن الحسین بن أبی الخطاب
۶	تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۴۶۱، ح ۱۴۹	موثق	زیاد بن مروان القندی	محمد بن الحسن بن الولید الحسین بن عبیدالله الغضائری محمد بن یحیی العطار
	تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۰۱، ح ۱۶			
	الاستبصار، ج ۱، ص ۴۸۲، ح ۴			
۷	تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۲، ح ۱۴	موثق	زیاد بن مروان القندی	محمد بن الحسن بن الولید الحسین بن عبیدالله الغضائری محمد بن یحیی العطار
۸	تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۳۱۸، ح ۱۳	صحیح	-	محمد بن یحیی العطار محمد بن الحسین بن أبی الخطاب
۹	تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۱، ح ۷	صحیح	-	محمد بن الحسن بن الولید

۱. رجال النجاشی، ص ۳۸۲.

۲. بررسی ها مطابق نتایج نرم افزار درایه ۳ انجام گرفته است.

ردیف	نشانی سند روایت در کتب اربعه	وضعیت سند و راویان		
		نوع سند ^۲ (صرف نظر از یونس)	راوی ضعیف	راوی معروف
				احمد بن محمد بن عیسی اشعری صفوان بن یحیی البجلي
۱۰	تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۳۲، ح ۲۴	صحیح	-	محمد بن الحسن بن الولید احمد بن محمد بن عیسی اشعری
	الاستبصار، ج ۲، ص ۱۵۷، ح ۲۱			
۱۱	تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۵۴، ح ۲۳	صحیح	-	محمد بن الحسن بن الولید الحسین بن عبدالله الغضائری محمد بن یحیی العطار
	الاستبصار، ج ۲، ص ۲۳۲، ح ۶			
۱۲	تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۴۵۸، ح ۴۱	صحیح	-	محمد بن الحسن بن الولید الحسین بن عبدالله الغضائری محمد بن الحسن بن ابی الخطاب

جدول (۳) - راویان ۱

نتیجه‌گیری

با فرض پذیرش ضعف شخصیت یونس بن ظبیان، باز هم نمی‌توان ضعیف بودن تمام دوازده روایت وی را یکسان دانست. مطابق جدول (۴)، در سند نه روایت (اعم از صحیح، مؤثق و ضعیف)، راویان معروف و قابل اتکا وجود دارند که به نسبت کمیت و کیفیت حضور خود، دست‌کم از ظن به کذب می‌کاهند. در میان سف روایت باقی مانده، یک روایت با سند صحیح از مؤلف به یونس می‌رسد و دو روایت دیگر به دارای یک راوی مهمل میان مؤلف و یونس است. پس در هیچ‌کدام از این‌ها، راوی ضعیف مصرح وجود ندارد. با توجه به تفاوت شدت ضعف هر کدام از روایات، تأثیر این سنجه در اعتبارسنجی نهایی نیز در هر روایت متفاوت خواهد بود.

نوع سند (از مؤلف تا یونس)	صحیح	مؤثق	ضعیف
دارای راوی معروف	۷	۲	۰
فاقد راوی معروف	۱	۰	۲

جدول (۴) - راویان ۲

۳-۳. سند

وضعیت اسناد روایات یونس بن ظبیان در کتب اربعه متفاوت است. به طور کلی از یونس بن ظبیان در این کتب، دوازده روایت فقهی بدون تکرار، با ۴۹ سند بدون تکرار و بدون

لحاظ اسنادی که شیخ طوسی از کتاب الکافی نقل کرده، ذکر شده است. در کتاب الکافی، با پانزده سند متفاوت، پنج روایت فقهی (بدون تکرار) از یونس منقول است. تمام این پانزده سند، متصل بوده که یک روایت نیز مضمراست:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ، عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ قَالَ: قَالَ لِي: يَا يُونُسُ ...^۱

البته مرحوم صدوق، این روایت را از امام صادق عليه السلام می داند.^۲ تک روایت فقهی یونس در کتاب من لایحضره الفقیه،^۳ با توجه به عدم بیان طریق به یونس در مشیخه، مرسل است. البته این روایت در الکافی^۴ و تهذیب الأحکام^۵ مسنداً ذکر شده است. درباره تهذیب الأحکام نیز باید دانست ۲۹ سند (هفت روایت) از ۳۳ سند، متصل و چهار سند (یک روایت)^۶ موقوف مطلق^۷ است. همان روایتی که در الکافی، مضمراست،^۸ در تهذیب الأحکام نیز مضمراست؛^۹ و چنان که گفته شد شیخ صدوق این روایت را از امام صادق عليه السلام نقل کرده است.^{۱۰} هم چنین در الاستبصار، دو روایت از یونس بن ظبیان وجود دارد^{۱۱} که دارای سه سند متصل از طریق مشیخه است.

نتیجه گیری

با عنایت به این سنج از اعتبارسنجی، روایات فقهی یونس بن ظبیان در کتب اربعه جز یک روایت موقوف در تهذیب الأحکام،^{۱۲} تماماً مسند و متصل بوده (۹۲٪) و از این حیث دارای اعتبار است.

۱. الکافی، ج ۷، ص ۴۳۷، ح ۲.
۲. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۷۵، ح ۴۳۱۷.
۳. همان.
۴. الکافی، ج ۷، ص ۴۳۸، ح ۲.
۵. تهذیب الأحکام، ج ۸، ص ۲۸۴، ح ۳۴.
۶. همان، ج ۵، ص ۲۵۴، ح ۲۳.
۷. فهو ما وقف فيه الاسناد على الراوى ولم يصل الى المعصوم عليه السلام ... وهذا في الحقيقة ليس برواية وإنما هي حكاية من الراوى (نهاية الدراية، ص ۱۸۴).
۸. الکافی، ج ۷، ص ۴۳۷، ح ۲.
۹. تهذیب الأحکام، ج ۸، ص ۲۸۴.
۱۰. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۷۵.
۱۱. الاستبصار، ج ۱، ص ۴۸۲، ح ۴ و ج ۲، ص ۱۵۷، ح ۲۱.
۱۲. تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۲۵۴، ح ۲۳.

۴. تطابق با سنت (مؤید و مخالف روایی)

برای ارزیابی دقیق تر هر روایت درباره شناسایی روایات مؤید و مخالف آن، متن روایات فقهی یونس بن ظبیان در کتب اربعه، حتی الامکان به فقره‌های موضوعی کوتاه‌تر تقسیم و این فقره‌ها مورد تحلیل این مؤلفه از اعتبارسنجی قرار گرفته‌اند. همان‌گونه که گفته شد، از آن‌جا که میراث روایی منتخب، جهت معیار سنجش سایر روایات، باید به نحوی، معتبر و قابل قبول باشد و صرف یافتن روایت موافق و مخالف، مقصود نیست، سعی بر آن است لحاظ مؤیدات و معارض‌ها، از این منظر نیز قابل قبول باشد. ذیلاً نخست به بررسی تفصیلی یک روایت پرداخته و سپس گزارش سایر فقره‌های روایات در جدول ارائه خواهد شد.

۱-۴. کیفیت تشییع جنازه

از روایات فقهی یونس بن ظبیان در الکافی، باید به روایتی در کیفیت تشییع جنازه اشاره کرد:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: امْشِ أَمَامَ جَنَازَةِ الْمُسْلِمِ الْعَارِفِ، وَلَا تَمْشِ أَمَامَ جَنَازَةِ الْجَاهِلِ، فَإِنَّ أَمَامَ جَنَازَةِ الْمُسْلِمِ مَلَائِكَةٌ يُسْرِعُونَ بِهِ إِلَى الْجَنَّةِ، وَإِنَّ أَمَامَ جَنَازَةِ الْكَافِرِ مَلَائِكَةٌ يُسْرِعُونَ بِهِ إِلَى النَّارِ.^۱

این روایت، دارای چهار فقره است.

۱-۱-۴. مشی پیشاپیش از جنازه مسلمان عارف

غیر از نقلی از شیخ صدوق به این بیان:

رَوَى إِذَا كَانَ الْمَيِّتُ مُؤْمِنًا فَلَا بُاسَ أَنْ يُمَشَى قُدَّامَ جَنَازَتِهِ، فَإِنَّ الرَّحْمَةَ تَسْتَقْبِلُهُ وَالْكَافِرُ لَا يُتَقَدَّمُ أَمَامَ جَنَازَتِهِ، فَإِنَّ اللَّعْنَةَ تَسْتَقْبِلُهُ.^۲

که می‌تواند برگرفته از همین روایت باشد، روایت مشابهی برای این فقره یافت نشد؛ در حالی که لأقل در همین «باب المشی مع الجنائز» از الکافی، روایاتی صحیح در مخالفت فقره محل بحث وجود دارد:

وَعَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ، عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ، عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: مَشَى النَّبِيُّ خَلْفَ جَنَازَةٍ، فَقِيلَ: يَا رَسُولَ

۱. الکافی، ج ۳، ص ۱۶۹، ح ۲.

۲. المقنع، ص ۶۰.

الله، مَا لَكَ تَمْشِي خَلْفَهَا؟ فَقَالَ: إِنَّ الْمَلَائِكَةَ رَأَيْتُهُمْ يَمْشُونَ أَمَامَهَا وَنَحْنُ تَبِعُ لَهُمْ.^۱
 مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَدَّافٍ،
 عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْمَشْيُ خَلْفَ الْجَنَازَةِ أَفْضَلُ مِنَ الْمَشْيِ
 بَيْنَ يَدَيْهَا.^۲

۴-۱-۲. عدم مشی پیشاپیش از جنازه جاحد

روایت قرب الإسناد و روایت هفتم «باب المشی مع الجنائز» را - که از مشی جلوتر از جنازه مخالف منع کرده و سند موثق هم دارد - می توان مؤیدی بر این فقره دانست:
 أَبُو الْبَخْرِيِّ، عَنْ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: إِذَا لَقِيتَ جَنَازَةً
 مُشْرِكِي فَلَا تَسْتَقْبِلْهَا، وَخُذْ عَنْ يَمِينِهَا وَ عَنْ شِمَالِهَا.^۳
 عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الثَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سُئِلَ
 كَيْفَ أَصْنَعُ إِذَا خَرَجْتُ مَعَ الْجَنَازَةِ أَمْشِي أَمَامَهَا أَوْ خَلْفَهَا أَوْ عَنْ يَمِينِهَا أَوْ عَنْ شِمَالِهَا،
 فَقَالَ: إِنْ كَانَ مُخَالَفًا فَلَا تَمْشِ أَمَامَهُ، فَإِنَّ مَلَائِكَةَ الْعَذَابِ يَسْتَقْبِلُونَهُ بِاللَّوْنِ الْعَذَابِ.^۴

۴-۱-۳. حضور ملائکه رحمت در پیشاپیش جنازه مسلمان

روایت سوم باب مذکور،^۵ مؤیدی صحیح السند برای این فقره است که در فقره های پیشین گذشت.

۴-۱-۴. حضور ملائکه عذاب در پیشاپیش جنازه کافر

روایت هفتم باب مذکور،^۶ مؤیدی موثق برای این فقره است، که در فقره های پیشین گذشت. قابل ذکر است عبارت شیخ صدوق در المقنع که می فرماید:
 رَوَى إِذَا كَانَ الْمَيِّتُ مُؤْمِنًا فَلَا بَأْسَ أَنْ يَمْشَى قُدَّامَ جَنَازَتِهِ، فَإِنَّ الرَّحْمَةَ تَسْتَقْبِلُهُ وَالْكَافِرُ
 لَا يَتَقَدَّمُ أَمَامَ جَنَازَتِهِ، فَإِنَّ اللَّعْنَةَ تَسْتَقْبِلُهُ.^۷

بسته به میزان اعتماد به آن، یارای تأیید تمام فقره های پیش گفته دارد.

۱. الکافی، ج ۳، ص ۱۶۹، ح ۳.

۲. همان، ح ۱.

۳. قرب الإسناد، ص ۱۳۹.

۴. الکافی، ج ۳، ص ۱۷۰، ح ۷.

۵. همان، ص ۱۶۹، ح ۳.

۶. همان، ص ۱۷۰، ح ۷.

۷. المقنع، ص ۶۰.

۲-۴. سایر روایات فقهی یونس

در جدول زیر یازده روایت فقهی (۲۹ فقره) دیگر از حیث وجود و فقدان روایت مؤید و مخالف بررسی شده‌اند.

ردیف	نشانی روایت (فقهی) (کتاب / ج / ص / ح)	عنوان فقره	روایت مؤید (کتاب / ج / ص / ح)	روایت مخالف	دلیل اعتماد به روایت مؤید یا مخالف
۱	الکافی، ج ۴، ص ۶۴، ح ۸ الکافی، ج ۴، ص ۶۵، ح ۱۷	فضیلت روزه در گرما	من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷۶، ح ۱۷۸۱	-	اعتبار منبع
		کیفیت عنایت به روزه‌دار در گرما	-	-	-
		طیب ریح روزه‌دار	الکافی، ج ۴، ص ۶۴، ح ۱۳	-	اعتبار سند اعتبار منبع
۲	الکافی، ج ۶، ص ۴۶۸، ح ۳	استحباب لبس خاتم	الکافی / باب الخواتیم	-	اعتبار سند اعتبار منبع شهرت
۳	الکافی، ج ۶، ص ۴۷۳، ح ۲	نقش خاتم امام صادق علیه السلام	-	-	-
		نقش خاتم امام باقر علیه السلام	عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۴، ح ۲۰۶	-	اعتبار منبع
		نقش خاتم امام سجاد علیه السلام	-	-	-
		نقش خاتم سید الشهداء علیه السلام	-	-	-
		نقش خاتم مجتبی علیه السلام	-	-	-
		نقش خاتم امیرالمؤمنین علیه السلام	-	-	-
۴	الکافی، ج ۷، ص ۴۳۸، ح ۲ من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۳۱۷، ح ۳ تهذیب الاحکام، ج ۸، ص ۲۸۴، ح ۲۴	منع حلف به برائت از ائمه علیهم السلام	من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۳۱۸، ح ۳۷۵	-	اعتبار منبع
			من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۳۲۶، ح ۳۷۷		
			من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۳۳۰، ح ۳۷۸		
		برابری حلف برائت از ائمه علیهم السلام با برائت از ایشان	من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۳۱۸، ح ۳۷۵	-	اعتبار منبع

ردیف	نشانی روایت (فقهی) (کتاب / ج / ص / ح)	عنوان فقره	روایت مؤید (کتاب / ج / ص / ح)	روایت مخالف	دلیل اعتماد به روایت مؤید یا مخالف
۵	تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۴۶۱، ح ۱۴۹ تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۰۱، ح ۱۶ الاستبصار، ج ۱، ص ۴۸۲، ح ۴	منع از نماز بر قبر	الکافی، ج ۳، ص ۳۹۰، ح ۱۳	من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۷۳۶	اعتبار منبع
			من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳، ح ۴۹۶۸	تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۳۷۴، ح ۸۷	
				تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۲۲۸، ح ۱۰۵	
		منع از نشستن بر قبر	المقنع، ص ۶۶	-	اعتبار منبع
		منع از تکیه بر قبر	-	-	-
		منع از بنای بر قبر	تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۴۶۱، ح ۱۴۸	-	اعتبار سند اعتبار منبع
۶	تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۲، ح ۱۴	فضل نماز زن در خانه	من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۰۸۸	-	اعتبار سند اعتبار منبع
			من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۹۷، ح ۱۱۷۹		
			من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۸، ح ۷۱۸		
۷	تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۳۱۸، ح ۱۳	تکبیر نخست: استفتاح نماز	-	۱ -	-
		تکبیر دوم: شهادتین	-	-	-
		تکبیر سوم: صلوات و ثنای الهی	-	-	-
		تکبیر چهارم: دعا برای میت	الکافی، ج ۳، ص ۱۸۱، ح ۳	-	اعتبار منبع
		تکبیر پنجم: سلام نماز	-	-	اعتبار منبع
		توقّف تا زمان حمل سریر	تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۱۹۵، ح ۲۰	-	اعتبار سند اعتبار منبع

۱ از آن جا که در روایات به عدم معین بودن ادعیه نماز میت تصریح شده است (الکافی، ج ۳، ص ۱۸۵؛ وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۸۸)، روایات ادعیه ای متفاوت از آن چه در روایت یونس آمده است، صرفاً غیرموافق بوده و مخالف محسوب نمی شوند.

ردیف	نشانی روایت (فقهی) (کتاب / ج / ص / ح)	عنوان فقره	روایت مؤید (کتاب / ج / ص / ح)	روایت مخالف	دلیل اعتماد به روایت مؤید یا مخالف
۸	تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۱، ح ۷	أفضلیت نماز واجب بر بیست حج	الکافی، ج ۳، ص ۲۶۵، ح ۷	-	اعتبار سند اعتبار منبع
			من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۹، ح ۶۳۰		
			من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۲، ح ۱۵۹۴		
			من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۲۳۷، ح ۲۲۱		
			تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۱۲، ح ۶۴		
			تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۲۴۰، ح ۲۲		
۹	تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۳۲، ح ۲۴ الإستبصار، ج ۲، ص ۱۵۷، ح ۲۱	جواز إحرام حج از رجب و رمضان	الکافی، ج ۳، ص ۲۶۵، ح ۷	-	اعتبار سند اعتبار منبع
			الکافی، ج ۴، ص ۲۶۰، ح ۳۲		
			من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۹، ح ۶۳۰		
			من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۲، ح ۱۵۹۴		
			من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۲۳۷، ح ۲۲۱		
			تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۱۲، ح ۶۴		
۱۰	تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۵۴، ح ۲۳ الإستبصار، ج ۲، ص ۲۳۲، ح ۶	عدم طواف نساء در عمره	الکافی، ج ۴، ص ۵۳۷، ح ۴	-	اعتبار سند اعتبار منبع
			الکافی، ج ۴، ص ۵۳۷، ح ۵		
			الکافی، ج ۴، ص ۵۳۸، ح ۷		

ردیف	نشانی روایت (فقهی) (کتاب / ج / ص / ح)	عنوان فقره	روایت مؤید (کتاب / ج / ص / ح)	روایت مخالف	دلیل اعتماد به روایت مؤید یا مخالف
				تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۴۳۹، ح ۱۷۰	
				تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۵۳، ح ۱۸	
		منع ازدواج با منافقه پس از مؤمنه	-	-	-
۱۱	تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۴۵۸، ح ۴۱	جواز ازدواج با مؤمنه پس از منافقه	-	-	-

جدول (۵) - روایات فقهی

با عنایت به جدول فوق باید گفت تحلیل فقدان روایت موافق برای ۱۳ فقره از ۳۳ فقره فقهی، یک دست و به یک معنا نیست؛ به عنوان مثال ۶ فقره از این ۱۳ فقره، درباره فروعی است که جنبه فقهی و درجه حساسیت اعتباری بسیار پایینی داشته، به لطف فضای حاکم بر کلیت روایت، در زمره روایات فقهی قرار گرفته اند.^۱ نیز فقره «جواز ازدواج با مؤمنه پس از منافقه» با عنایت به سایر فروع فقهی و قیاس اولویت، به راحتی قابل دست یابی است.^۲ بر این اساس نمی توان عدم وجدان روایت صریح موافق برای فقره پیش گفته را با عدم وجدان روایت موافق برای فقره نخست همین روایت (منع ازدواج با منافقه پس از مؤمنه) - که شاید جز با محدود عمومات فقهی، قابل تقویت نباشد - یکسان دانست.^۳ از این رو، به طور کلی باید میان روایت منفردی که هیچ شاهد موافقی (صریحاً و تلویحاً) نداشته و احتمالاً با دیگر احکام دینی نیز هم خوانی ندارد و روایتی که هر چند روایت موافق صریح ندارد، ولی با منظومه و دیگر فروع فقهی هم گون است، تفاوت قائل شد.

نتیجه گیری

از ۳۳ فقره فقهی، نوزده فقره (۵۷٪) دارای روایت مؤید و هفت فقره (۲۴٪) با آن که روایت

۱ مانند کیفیت عنایت به روزه دار در گرما، نقوش خواتیم امیرالمؤمنین، امام مجتبی، سیدالشهدا، زین العابدین و امام صادق (علیهم السلام).

۲ به این نحو که وقتی ازدواج با مؤمنه پس از مؤمنه جایز است، به طریق اولی ازدواج با مؤمنه پس از منافقه جایز خواهد بود.

۳ نمونه دیگر را می توان در فراز «منع از تکیه بر قبر» جست

موافقی ندارند، ولی یا با منظومه فقه امامیه هم‌گون بوده یا از چندان اهمیّت فقهی برخوردار نیستند. از سوی دیگر با توجه به این‌که دو فقره از سه فقره دارای روایت مخالف، فقره‌هایی بوده که روایت موافق هم دارند، یک فقره دارای روایت مخالف (۳٪) و شش فقره (۲۱٪) ناهم‌گون با روایات دیگر فروع را باید از منفردات فقهی و غیر معتبر از حیث سنجه تطابق با سنت قلمداد نمود (۷ فقره و ۲۴٪).^۱

دارای روایت موافق	فقدان روایت موافق		دارای روایت مخالف	تعداد فقره
	هم‌گون با منظومه و فروع فقهی	ناهم‌گون با منظومه و فروع فقهی		
۱۹	۷	۶	۳	۱۹
۵۷٪	۲۱٪	۱۸٪	۹٪	۳ درصد

جدول (۶) - گونه‌های روایات فقهی

۵. عمل متخصصان

فقره‌های فقهی روایات یونس، یک دست نیستند؛ برخی از فقره‌ها، هیچ فقیه متقدم و متأخری را با خود همراه نکرده؛ برخی دیگر، کاملاً با منظومه فقه شیعه سازگار و برخی به دلیل نادر بودن فرع اساساً مورد عنایت و تعرض فقها قرار نگرفته است. براین اساس نمی‌توان تمام این روایات را به کمک این سنجه مورد اعتبارسنجی قرار داد و باید به بررسی آرای موجود فقها بسنده نمود.

ردیف	عنوان فقهی (کتاب / ج / ص / ح)	نظرات فقها		نحوه مواجهه
		نمونه	سایر (کتاب / جلد / صفحه)	
۱	أمر به مشی جلوی جنازه مسلمان	وأفضل ما يمشي المشيع للجنازة، خلفها أو عن	جامع المقاصد، ج ۱، ص ۴۱۵	مخالف

۱ پذیرش حدیث، مشروط به موافقت صریح با سنت (نه عدم مخالفت) نیست؛ زیرا در صورت پذیرش این مبنا به حدیث جدید نیاز نیست. به دیگر سخن، اگر در موضوع مورد نیاز، محتاج سنتی باشیم که از طریق خبر متواتر یا روایات صحیح برای ما ثابت شده است، در جایی که سنت موجود است به این حدیث برای بیان معرفت و حکم، نیازی نیست. (منطق فهم حدیث، ص ۶۰۱ و ۶۰۲).

۲. از آن‌جا که دو فراز از این سه فراز، هم روایت موافق دارد هم مخالف، در هر دو دسته محاسبه شده است.

۳. از آن‌جا که دو فراز دارای روایت مخالف، روایت موافق نیز دارند، در جمع کلی، دو بار محاسبه خواهد شد، و الا در جمع‌بندی درصدها، فقط ۵۵ و ۲۴ و ۲۱ باید با یکدیگر جمع شوند.

ردیف	عنوان فقهی (کتاب / ج / ص / ح)	نظرات فقها	
		نمونه	سایر (کتاب / جلد / صفحه)
	(الكافي، ج ٢، ص ١٦٩، ح ٢)	يُمَيِّنُهَا أَوْ شِمَالَهَا؛ فَإِنْ تَقَدَّمَهَا لِعَارِضٍ أَوْ ضَرُورَةٍ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ حَرَجٌ؛ وَإِنْ كَانَ لَغَيْرِ ضَرُورَةٍ يَكُونُ قَدْ تَرَكَ الْأَفْضَلَ وَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ (النهاية، ص ٣٦)	منتهى، ج ٧، ص ٢٧١ المرائر، ج ١، ص ١٦٤ المعتبر، ج ١، ص ٢٩٣ ذكري، ج ١، ص ٣٩١ بحار الانوار، ج ٧٨، ص ٢٧٤ روض الجنان، ج ٢، ص ٨٣٦ جواهر، ج ٤، ص ٢٦٦
٢	نهی از مشی جلوی جنازه جاحد (الكافي، ج ٣، ص ١٦٩، ح ٢)	إِبْنُ أَبِي عَقِيلٍ: يَجِبُ التَّأَخُّرُ خَلْفَ جَنَازَةِ الْمَعَادِي لِذِي الْقُرْبَى لِمَا وَرَدَ مِنْ اسْتِقْبَالِ مَلَائِكَةِ الْعَذَابِ إِيَّاهُ (بحار الانوار، ج ٨١، ص ٢٧٥)	كشف اللثام، ج ٢، ص ٣٢٧ بحار الانوار، ج ٧٨، ص ٢٧٤ مصباح الفقهاء، ج ٥، ص ٣٦٣
٣	نهی از حلف به برائت ائمه عليهم السلام (الكافي، ج ٧، ص ٤٣٨، ح ٢) (کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ٣٧٥، ح ٤٣١) (تهذيب الاحكام، ج ٨، ص ٢٨٤، ح ٣٤)	يَحْرُمُ الْحَلْفُ بِالْبَرَاءَةِ مِنَ الْأَئِمَّةِ عليهم السلام (هداية الأمة إلى أحكام الأئمة، ج ٧، ص ٥٤٦)	کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ٣٧٥ روضة المتقين، ج ٨، ص ٦٤ وسائل الشيعه، ج ٢٣، ص ٢١٤ جواهر، ج ٣٥، ص ٣٤٥
٤	استحباب روزه در گرما (الكافي، ج ٤، ص ٦٤، ح ٨) (الكافي، ج ٤، ص ٦٥، ح ١٧)	وَأَنَّ مِنْ صَامٍ يَوْمًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي شِدَّةِ الْحَرِّ فَصَابَهُ ظَمًا وَكُلَّ اللَّهُ بِهِ أَلْفَ مَلَكٍ يَمْسَحُونَ وَجْهَهُ وَيُبَشِّرُونَهُ بِالْجَنَّةِ حَتَّى إِذَا أَفْطَرَ، قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ مَا أَطْيَبَ رِيحَكَ وَرَوْحَكَ، يَا مَلَأْتُكَنِي أَشْهَدُوا أَنِّي قَدْ غُفِرَتْ لَهُ (جواهر الكلام، ج ١٦، ص ١٨١)	-
٥	استحباب لبس خاتم (الكافي، ج ٦، ص ٤٦٨، ح ٣)	المَسْأَلَةُ الْأَرْبَعُونَ: التَّخْتُمُ فِي الْيَدَيْنِ أَمْ فِي الْيَمِينِ وَحْدَهَا؟ الْجَوَابُ: الْمَسْنُونُ فِي الْخَاتَمِ أَنْ يَكُونَ فِي الْيَمِينِ، مَعَ الْإِخْتِيَارِ وَعَدَمِ التَّقْيَةِ، وَإِنْ أَضَافَ إِلَى الْيَمِينِ الْيَسَارَ جَازَ، وَلَا يَجُوزُ الْإِقْتِصَارُ عَلَى الْيَسَارِ مِنْ غَيْرِ تَقْيَةٍ. (رسائل الشريف المرتضى، ص ٢٩٢)	موسوعة الإمام الخوئي، ج ٢٨، ص ٤٥٢
٦	نهی از نماز بر قبر (تهذيب الاحكام، ج ١، ص ٤٦١، ح ١٤) (تهذيب الاحكام، ج ٣، ص ٢٠١، ح ١٦) (الاستبصار، ج ١، ص ٤٨٢)	-	-
٧	نهی از نشستن بر قبر	يَكُونُ أَنْ يَجْلِسَ عَلَى قَبْرِ، أَوْ يَتَكَبَّرَ عَلَيْهِ، أَوْ يَمْشِيَ	جواهر، ج ٤، ص ٣٥١

١. با عنایت به عبارت مرحوم صدوق در مقدمه کتاب من لا يحضره الفقيه (فَصَدْتُ إِلَى إِيزَادٍ مَا أُفْتِيَ بِهِ وَأَحْكُمُ بِصَحَّتِهِ وَاعْتَقِدُ فِيهِ أَنَّهُ حُجَّةٌ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَ رَبِّي تَقَدَّسَ ذِكْرُهُ وَتَعَالَتْ قُدْرَتُهُ وَجَمِيعُ مَا فِيهِ مُسْتَخَرَجٌ مِنْ كُتُبٍ مَشْهُورَةٍ عَلَيْهِ الْأَعْوَالُ وَإِلَيْهَا الْمَرْجِعُ) (کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٣)، روایات موجود در این کتاب را باید مورد عنایت وی از لحاظ فقهی و فتوایی دانست.

٢. عناوین هریاب، انعکاس دهنده فتوای شیخ حرعاملی است (روش شناسی تدوین حدیث در وسائل الشیعة، ص ١٩٥).

ردیف	عنوان فقهی (کتاب / ج / ص / ح)	نظرات فقها		نحوه مواجهه
		نمونه	سایر (کتاب / جلد / صفحه)	
	(تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۴۶۱، ح ۱۴) (تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۰۱، ح ۱۶) (الاستبصار، ج ۱، ص ۴۸۲)	علیه، (الخلاف، ج ۱، ص ۷۰۷)		
۸	نهی از تکیه دادن به قبر (الاستبصار، ج ۱، ص ۴۸۲)	یکره أن یجلس علی قبر، أو یتکئ علیه، أو یمشی علیه، (الخلاف، ج ۱، ص ۷۰۷)	جواهر، ج ۴، ص ۳۵۱	موافق
۹	نهی از بنای بر قبر (تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۴۶۱، ح ۱۴) (تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۰۱، ح ۱۶) (الاستبصار، ج ۱، ص ۴۸۲)	یکره أن یجلس علی قبر، أو یتکئ علیه، أو یمشی علیه، (الخلاف، ج ۱، ص ۷۰۷)	جواهر، ج ۴، ص ۳۵۱	موافق
۱۰	پنج تکبیره بودن نماز میت (تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۳۱۸، ح ۱۳)	القسم الثالث فی کیفیت الصلاة وهی علی المؤمن خمس تکبیرات بلا خلاف أجده فیه بیننا، بل الإجماع بقسمیه علیه، بل المحکی منهما مستفیض أو متواتر (جواهر الکلام، ج ۱۲، ص ۳۱)	النهاية، ص ۱۴۴ المعتبر، ج ۲، ص ۳۴۷ منتهی، ج ۷، ص ۳۱۶	موافق
۱۱	تکبیر نخست نماز میت: استفتاح صلاة (تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۳۱۸، ح ۱۳)	یکبرأولاً ویشهد الشهادتين (الخلاف، ج ۱، ص ۷۲۴)	المعتبر، ج ۲، ص ۳۴۷ منتهی، ج ۷، ص ۳۲۹	مخالف ^۱
۱۲	تکبیر دوم نماز میت: شهادتین (تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۳۱۸، ح ۱۳)	ویکبر الثانية ویصلى علی النبی ﷺ (الخلاف، ج ۱، ص ۷۲۴)	منتهی، ج ۷، ص ۳۳۱	غیر موافق
۱۳	تکبیر سوم نماز میت: صلوات و ثنای الهی (تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۳۱۸، ح ۱۳)	ویکبر ثالثاً ویدعو للمؤمنين (الخلاف، ج ۱، ص ۷۲۴)	منتهی، ج ۷، ص ۳۳۲	غیر موافق
۱۴	تکبیر چهارم نماز میت: دعا برای میت (تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۳۱۸، ح ۱۳)	ویکبر رابعاً ویدعو للمیت (الخلاف، ج ۱، ص ۷۲۴)	منتهی، ج ۷، ص ۳۳۲	موافق
۱۵	تکبیر پنجم نماز میت: به منزله سلام نماز (تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۳۱۸، ح ۱۳)	ویکبر الخامسة وینصرف (الخلاف، ج ۱، ص ۷۲۴)	منتهی، ج ۷، ص ۳۳۸	موافق
۱۶	توقف تا زمان حمل جنازه (تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۳۱۸، ح ۱۳)	وکیف کان فقد ذکرنا الأصحاب کما فی کشف اللثام والمحکی عن الروض أنه إذا فرغ من الصلاة وقف موقفه حتی ترفع الجنازة (جواهر الکلام، ج ۱۲، ص ۱۸۲)	مدارک، ج ۴، ص ۱۸۲	موافق

۱. عبارت محل بحث، از این حیث مخالف نظر فقها منظور شده که هیچ دعایی ندارد؛ در حالی که تخییر و عدم تعیین بیان شده، درباره انواع ادعیه است، نه در اصل دعا.

ردیف	عنوان فقهی (کتاب / ج / ص / ح)	نظرات فقها	
		نمونه	سایر (کتاب / جلد / صفحه)
		ص ۹۷)	مسالك، ج ۱، ص ۲۶۹
۱۷	منع ازدواج با منافقه پس از مؤمنه (تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۴۵۸، ح ۴۱)	و حمل على الكراهة (روضة المتقين، ج ۱۲، ص ۴۵۲)	-
۱۸	عدم طواف نساء در عمره (تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۵۴، ح ۲۳) (الاستبصار، ج ۲، ص ۲۳۲)	فليس يعترض ما ذكرناه لأن هذه الرواية غير مستندة إلى أحد من الأئمة عليه السلام إذا لم تكن مستندة لم يجب العمل بها ومع هذا فهي رواية شاذة لا تقابل بمثلاً أخيراً كثيرة بل يجب العدول عنها إلى العمل بالأكثر والأظهر (تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۵۵)	جواهر، ج ۱۰، ص ۲۹۷ مدارك، ج ۸، ص ۱۹۷ روضة المتقين، ج ۵، ص ۷۸ كشف اللثام، ج ۵، ص ۴۸۲
۱۹	أفضليّة نماز زن در خانه (تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۲، ح ۱۴)	... ظاهرهم الاتفاق عليه في أفضلية صلاتها في المنزل من صلاتها فيها رعاية للسنة المطلوب منهن، و... (جواهر الكلام، ج ۱۴، ص ۱۴۹)	النهاية، ص ۱۰۸ منتهی، ج ۶، ص ۳۱۱ مفتاح الكرامة، ج ۲، ص ۲۳۸
۲۰	جواز تمتع برای واردین به مکه از رجب و رمضان (تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۳۲، ح ۲۴)	باب استحباب اختيار حج التمتع على القران والافراد حيث لا يجب قسم بعينه وان حج ألفا وألفا، وإن كان قد اعتمر في رجب أو رمضان، وإن كان مكياً أو مجاوراً سنين (وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۲۴۶)	-

جدول (۷) - نظرات فقهی

مطابق جدول فوق و از میان بیست فقره فقهی تعیین شده، سه فقره (۱۵٪) مورد مخالفت فقها واقع شده است. نیز دو فقره (۱۰٪) در تکبیر دوم و سوم نماز میت، هرچند مورد اعتنای هیچ کدام از فقها قرار نگرفته است، اما از آن جا که روایات^۱ و آرای فقهی^۲، کیفیت این ادعیه را توقیفی ندانسته اند، به عنوان فقره های غیر موافق با آرای فقها شناخته شده و با فقره های دارای رأی مخالف فقهی، تمایز داده می شوند. گذشته از تک فقره «نهی نماز بر قبر» که فاقد رأی موافق یا مخالف است (۵٪)، چهارده فقره دیگر (۷۰٪) مورد موافقت فقها قرار گرفته که تا حدی قابل قبول، شاهی برای اعتبار فقره های فقهی روایات یونس بن ظبیان در کتب اربعه است.

۱. الکافی، ج ۳، ص ۱۸۵.

۲. المعتمد فی شرح المختصر، ج ۲، ص ۳۴۹.

نتیجه‌گیری

نتایج سنجه‌های کارآمد در اعتبارسنجی روایات فقهی یونس بن ظبیان در کتب اربعه، گویای اعتباری خلاف جنجال‌های شخصیتی وی است. منابع این روایات به شرح جدول زیر، علاوه بر آن‌که از حضور در کتب اربعه - به عنوان معتبرترین کتب امامیه - بهره می‌برند، با حضور بیش از پنجاه درصدی خود در سایر منابع متقدم، اعتباری افزون‌تر به خود داده‌اند. در آسانید روایات محل بحث که جزیک مورد تماماً متصل‌اند، تنها در دو سند جز یونس بن ظبیان راوی ضعیف یا مهمل نیز دیده می‌شود که حضور راویان شاخص در این آسانید می‌تواند اعتباری افزون‌تر بخشد. از لحاظ تطابق روایات محل بحث با سایر روایات شیعی، تنها سه روایت را نمی‌توان از این حیث معتبر دانست که البته شدت ضعف یکسان ندارند: یکی نه تنها روایت موافق ندارد، بلکه چند روایت مخالف هم دارد.^۱ دیگری هرچند با روایات اندکی موافقت دارد، ولی روایات مخالف بیشتری دارد^۲ و مورد آخر هم فاقد هرگونه روایت موافق و مخالف است.^۳ آن‌جا که قابلیت اعمال سنجه اعتنا و عمل متخصصان وجود داشت (هجده روایت، ۳۱ فقره)، دو روایت مطابق نظرایشان نبوده‌است؛ چنین نتایجی، برای یک راوی متهم به غلو، قابل توجه است. نهایتاً با عنایت به تجمیع داده‌ها، دو روایت یونس بن ظبیان در کتب اربعه را می‌توان نامعتبر تلقی کرد که آن هم به معنای عدم احراز صدور خواهد بود، نه احراز عدم صدور. ضمناً باید دانست اعتبار ۳۵ روایتی که معتبر شناخته شده‌اند، به دلیل تفاوت در میزان اعتبار ریزسنجه‌ها، یکسان نیست. علاوه بر این، به چند نتیجه کلی نیز می‌توان دست یافت:

۱. همان‌گونه که اتهام ضعف در خصوص یک راوی، به تنهایی دلیل مناسبی برای انکار آموزه‌های روایی وی نیست، صرف وجود روایات این دست راویان در کتابی (به ویژه کتب اربعه)، دلیل قابل قبولی برای بی‌اعتباری آن کتاب نخواهد بود. با چشم‌پوشی از احتمال تفاوت دیدگاه صاحب کتاب با دیدگاه رجالیان، باید به چرایی وجود چنین روایاتی در چنان کتبی پی بُرد.

۲. هرگاه آمار و درصدهای اعتبار روایات یک راوی، قابل ملاحظه باشد، خود می‌تواند دلیلی

۱. الکافی، ج ۳، ص ۱۶۹، ح ۲.

۲. تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۵۴، ح ۲۳.

۳. همان، ج ۷، ص ۴۵۸، ح ۴۱.

براعتبار آن دست از روایاتی باشد که ضمن فقدان معارض جدی، فاقد مؤید است.

۳. هرچقدر هم که آمار نهایی، مؤید صحت و قوت آموزه‌های راوی متهمی مانند یونس بن ظبیان باشد، باز نمی‌توان به صرف چنین دستاوردی، وی و نظائر وی را توثیق نمود؛ زیرا احتمال می‌رود مصنفین کتب معتبر امامیه و مشخصاً محمدون ثلاث، با پالایش میراث روایی وی، تنها به همین روایات منقول اعتنا کرده، سایر احادیث وی را کنار گذاشته باشند.

ردیف	نشانی روایت	مؤلفه اعتبارسنجی				ارزیابی
		منبع	راوی	سند	تطابق با سنت ^۱	عمل متخصصان
۱	الکافی، ج ۳، ص ۱۶۹، ح ۲	معتبر	نامعتبر	معتبر	نامعتبر	نامعتبر
۲	الکافی، ج ۴، ص ۶۴، ح ۸ الکافی، ج ۴، ص ۶۵، ح ۱۷	معتبر	نامعتبر	معتبر	معتبر	معتبر
۳	الکافی، ج ۶، ص ۴۶۸، ح ۳	معتبر	معتبر	معتبر	معتبر	معتبر
۴	الکافی، ج ۶، ص ۴۷۳، ح ۲	معتبر	معتبر	معتبر	معتبر	-
۵	الکافی، ج ۷، ص ۴۳۸، ح ۲ کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۷۵، ح ۴۳۱۷ تهذیب الاحکام، ج ۸، ص ۲۸۴، ح ۳۴	معتبر	معتبر	معتبر	معتبر	معتبر
۶	تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۴۶۱، ح ۱۴۹ تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۰۱، ح ۱۶ الاستبصار، ج ۱، ص ۴۸۲، ح ۴	معتبر	معتبر	معتبر	معتبر	معتبر
۷	تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۲، ح ۱۴	معتبر	معتبر	معتبر	معتبر	معتبر
۸	تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۳۱۸، ح ۱۳	معتبر	معتبر	معتبر	معتبر	معتبر
۹	تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۱، ح ۷	معتبر	معتبر	معتبر	معتبر	-
۱۰	تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۳۲، ح ۲۴ الاستبصار، ج ۲، ص ۱۵۷، ح ۲۱	معتبر	معتبر	معتبر	معتبر	معتبر

۱. از آن جا که در این بخش، ارزیابی کلی روایت مدّ نظر است، اگر در موافقت و مخالفت فرازهای درون روایتی از حیث تطابق با سنت و عمل متخصصان، هماهنگی وجود نداشته باشد، فضای کلی روایت و تعداد بیشتر فرازهای حاکم بر آن، لحاظ شده است.

ردیف	نشانی روایت	مؤلفه اعتبارسنجی					ارزیابی
		منبع	راوی	سند	تطابق با سنت ^۱	عمل متخصصان	
۱۱	تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۵۴، ح ۲۳ الاستبصار، ج ۲، ص ۲۳۲، ح ۶	معتبر	نامعتبر	نامعتبر	نامعتبر	نامعتبر	نامعتبر
۱۲	تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۴۵۸، ح ۴۱	معتبر	معتبر	معتبر	نامعتبر	معتبر	معتبر
ارزیابی اعتبار	درصد	٪۱۰۰	٪۷۵	٪۹۲	٪۷۵	٪۸۰	٪۸۳
	کیفیت	خوب	متوسط	خوب	متوسط	خوب	خوب

جدول (۸) - نتیجه‌گیری نهایی

کتابنامه

- قرآن کریم.
- الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، محمد بن حسن طوسی، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۹۰ق.
- بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، محمد باقر مجلسی، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- تهذیب الأحکام، محمد بن حسن طوسی، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، قم، دارالشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ق.
- جامع المقاصد فی شرح القواعد، علی بن الحسین کرکی، قم، مؤسسة آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ق.
- جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، بیروت، دارإحیاء التراث العربی، ۱۳۶۲ش.
- خاتمة مستدرک الوسائل، حسین نوری، قم، مؤسسة آل البيت علیه السلام لإحیاء التراث، بی تا.
- الخصال، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، قم، جامعه مدرسين، ۱۳۶۲ش.
- الخلاص، محمد بن حسن طوسی، قم، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، ۱۴۰۷ق.
- ذکر الشیعة فی أحکام الشریعة، محمد بن مکی عاملی، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۱۹ق.
- رجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی، قم، بی جا: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۳۶۵ش.

الرجال، ابن داوود حلی، بی جاقم، منشورات الشریف الرضی، بی تا.
الرجال، احمد بن الحسين بن عبيدالله الغضائري، قم، مؤسسه علمی فرهنگي دارالحدیث، ۱۴۲۲ق.

الرجال، حسن بن يوسف حلی، نجف: دارالذخائر، ۱۴۱۱ق.
الرجال، محمد بن حسن طوسی، قم، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، ۱۳۷۳ش.
الرجال، محمد بن عمر کشی، مشهد: مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.
رسائل الشریف المرتضی، علی بن الحسين علم الهدی، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۰۵ق.
روض الجنان فی شرح إرشاد الأذهان، زين الدين بن علی عاملی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ش.

روضة المتقين فی شرح من لا يحضره الفقيه، محمد تقی مجلسی، تهران، بنیاد فرهنگ اسلامی کوشان پور، ۱۴۰۶ق.
السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى، محمد بن أحمد بن إدريس حلی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۱۰ق.
العدة فی الأصول، محمد بن حسن طوسی، قم، تیزهوش، ۱۴۱۷ق.
عیون أخبار الرضا (ع)، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
الغیبة، محمد بن حسن طوسی، قم، دارالمعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ق.
الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا (ع)، مشهد، مؤسسة آل البيت (ع)، ۱۴۰۶ق.
الفوائد الحائرية، محمد باقر بهبهانی، قم، مجمع الفكر الإسلامی، ۱۴۱۵ق.
الفهرست، محمد بن حسن طوسی، قم، مؤسسة نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ق.
قاعدة لا ضرر ولا ضرار، سید علی سیستانی، بی جا، مكتب آية الله العظمی السيد السيستاني، بی تا.

قاموس الرجال، محمد تقی شوشتری، قم، جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ق.
قرب الإسناد، عبدالله بن جعفر حمیری، قم، مؤسسة آل البيت (ع)، ۱۴۱۳ق.
الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
کتاب الخمس، مرتضی انصاری، قم، المؤتمر العالمی بمناسبة الذكرى المئوية الثانية لميلاد الشيخ الأعظم الأنصاری، ۱۴۱۵ق.
کتاب الزكاة، مرتضی انصاری، قم، المؤتمر العالمی بمناسبة الذكرى المئوية الثانية لميلاد

الشيخ الأعظم الأنصاري، ١٤١٥ق.

كتاب من لا يحضره الفقيه، محمد بن علي بن بابويه (شيخ صدوق)، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ١٤١٣ق.

كشف اللثام و الإيهام عن قواعد الأحكام، فاضل هندي، قم، مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، بی تا.

کليات في علم الرجال، جعفر سبحاني، قم، مؤسسة النشر الإسلامي، بی تا.

مدارك الأحكام في شرح شرائع الإسلام، محمد موسى عاملی، مشهد، مؤسسة آل البيت عليه السلام لاحياء التراث، ١٤١١ق.

مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، زين الدين بن علي، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، ١٤١٣ق.

مصباح الفقيه، رضا همداني، قم، المؤسسة الجعفرية لاحياء التراث، ١٣٧٦ش.

المعتبر في شرح المختصر، جعفر بن الحسن الحلبي، قم، مؤسسه سيد الشهداء عليه السلام، ١٤٠٧ق. معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، سيد ابوالقاسم خويي، قم، مركز نشر الثقافة الإسلامية في العالم، ١٣٧٢ش.

مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة، محمد جواد حسيني عاملی، بيروت، دار إحياء التراث العربي، بی تا.

المقنع، محمد بن علي بن بابويه (شيخ صدوق)، قم، مؤسسة امام مهدي عليه السلام، ١٤١٥ق.

منتهى المطلب في تحقيق المذهب، حسن بن يوسف حلبي، مشهد، آستانة الرضوية المقدسة، ١٤١٢ق.

منطق فهم حديث، سيد محمد كاظم طباطبائي، قم، انتشارات مؤسسه آموزشي و پژوهشي امام خميني، ١٣٩٠ش.

الموجز في أصول الفقه، جعفر سبحاني، قم، مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام، ١٤٢٠ق.

موسوعة الإمام الخوئي، سيد ابوالقاسم خويي، قم، مؤسسة إحياء آثار الامام الخوئي، ١٤١٦ق.

نهاية الدراية، سيد حسن صدر، قم، نشر المشعر، بی تا.

النهاية، محمد بن حسن طوسي، بيروت، دار الكتاب العربي، ١٤٠٠ق.

وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، محمد بن حسن حرّ عاملی، قم، مؤسسة آل

البيت ﷺ لآحياء التراث، ١٤١٦ق.

هداية الأمة إلى أحكام الأئمة ﷺ، محمد بن حسن حرّعاملی، مشهد، آستانة الرضوية المقدسة، ١٤١٢ق.

«تبیین شرایط قبول خبراز منظر قدما و متأخرین»، سید محمد کاظم طباطبائی، فصلنامه علوم حدیث، ١٣٩٨ش، شماره ٩٢.

«روش روش شناسی تدوین حدیث در وسائل الشیعه»، حسن ربانی، فصلنامه فقه، ١٣٨٨ش، شماره ٢.

پایگاه اینترنتی مدرسه فقاہت (www.eshia.ir).

نرم افزار درایة النور ٣

